

Progress Paradigm and Its Implementation Requirements

Extended Abstract

Introduction

Since about a century ago, Iranians have been careful in facing the social developments of other nations and the implementation of the "development" paradigm in Iran and third world countries. And gradually their thinking has reached a degree of maturity to start an official effort to replace this paradigm.

A review of Iran's social history from 100 years ago until now, clearly indicates that Iranians have continuously observed the social developments of other nations and with the coming of the Pahlavi period, they witnessed profound spatial changes in Iran. These developments took an organized form especially during the second Pahlavi period, and many programs were prepared in the field of administrative organizations, buying satellites, establishing a nuclear power plant, building big dams, creating a modern army, etc. The implementation of these programs in several decades was followed by a national review of what had happened. The general understanding of the society based on the emotional wisdom of what had happened can be summarized in a few basic points.

What has happened is pushing Iran towards a country with mass consumption and leading to dependence on foreigners.

The class gap and the population of the poor have increased drastically every day.

Nomadism and muralism are in danger of extinction

Environmental vulnerability has become a serious problem

Iran's cultural and historical identity has been exposed to destruction and its major change has manifested as a fundamental attack (Crossing identity, history and security).

Theoretical foundations and objectives:

This article followed a comparative logic and mostly analyzed the differences between the development and progress paradigms. Also to run the progress paradigm it is tried to benefit from the executive structures of the development paradigm

Methodology

In order to achieve the goals of this research, at first, the bases and foundations of the development paradigm (Rust in America), the land use paradigm (the French and the Germans) and the regional foresight paradigm (the European Union) in terms of epistemology are investigated, and according to the definition of paradigm according to Cohen, the semantic variables of each paradigm are indexed. The semantic variables defined for each paradigm were:

- The Hometown of paradigm
- The Doctrine of paradigm
- The goals of paradigm
- The final destination of paradigm
- The executive subsystems of paradigm

Correspondence:*

Address: Department of Physical Geography, Faculty of Geography and Planning, University of Isfahan, Esfahan, Iran.

Email: mh.raamesht@gmail.com

Article History:

Received: 25. 10.2023

Accepted: 10.03.2024

- The ideological contexts of paradigm

After recognizing each of the semantic indicators of the paradigms, the recognition of these semantic indicators was discussed in the paradigm of progress. This work was done based on the latest version of the Paradigm of Progress document at the Iranian Islamic Pattern Center. In the next step, to compare these paradigms with each other, "Nich method" was used to calculate their spatial distance. The degree of difference of each in the field of Hometown, Doctrine, and Goals was determined. This comparison has followed "Jeanette's method" of analysis.

Findings:

Investigations showed that the four paradigms in spatial planning have sometimes fundamental differences in terms of Hometown, Doctrine, and Goals. These differences in their Hometowns, Doctrines, and Goals are different from what is discussed in the progress paradigm of Iranian society, and therefore, a review of the theoretical foundations of social and spatial evolution in Iran requires a serious revision.

Conclusions:

For the implementation of any paradigm, three systems (scientific-philosophical, governance and cultural) are necessary Which can generally be summarized in the following cases:

Borrowing the executive organization of the "development" paradigm is one of the valuable experiences, the use of which can reduce the fifty-year period of the progress paradigm to one or two decades.

Certainly, the implementation of the progress paradigm cannot be implemented without having three systems of "governance", "scientific" and "cultural", and this is the most important achievement of the development review and international experiences of several decades in the development paradigm.

In the field of philosophical and scientific system, although the combination of the **field knowledge** and the **university** is a suitable combination, but the change in the content is necessary both in the field of knowledge and in the university. Iranian scientists and researchers in both areas should define indicators that can continuously and intelligently evaluate the paradigm elements and the extent to which they have been achieved.

In the realm of culture, the tricks and techniques of the evangelists are very rich and only updating them and their form of presentation should be adapted and updated according to the taste of today's societies. In this matter, the main axes of the norms of the progress paradigm should be placed in the agenda of the cultural trustees and help in all processes that can transform these norms into social behavior at various scales.

Keywords: Paradigm, Progress, Interpretation, Genette Analysis.

پارادایم پیشرفت و بایسته‌های اجرایی آن سکینه خاتون نظام محله

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

محمد حسین رامشت*

استاد گروه جغرافیا، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

محمدسعید جبل عاملی

استاد گروه مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

طیبیه محمودی محمدآبادی

دانش اموخته دکتری و پسادکتری گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان و دانشگاه شهید باهنر کرمان، اصفهان، کرمان، ایران.

چکیده

تحول اجتماعی و ویرایش متن جوامع، بدون داشتن اهداف خاص آن هم در سپهری معنایی که اصطلاحاً بدان پارادایم گفته می‌شود امکان پذیر نمی‌نماید ولی اجرای هر پارادایم مستلزم شکل گیری زیر نظام‌هایی است تا حصول هدف‌های آن در چهارچوبی مدیریت شود. پارادایم "پیشرفت" که حاصل تامل ایرانیان در اخیر است، رفته رفته به درجه‌ای از بلوغ میل کرده که زمان فراهم آوردن زمینه‌های اجرای آن را طلب می‌کند. بدون تردید هر پارادایمی دارای ریشه‌های معرفتی، خاستگاه، دکترین و اهداف خاصی است و تحقق آن محتاج شکل گیری سه نظام حکمرانی، علمی، فلسفی و فرهنگی است. پارادایم "پیشرفت" را باید زبان ناملموس رفتاری انقلاب جامعه ایرانیان تفسیر و تدوین این زبان رفتاری را به سندی راهبردی، حاصل کار محققان ایران در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دانست. نتایج حاصل از فرایند طی شده در اندیشکده آمیش بنیادین که براساس روش تحلیل ژانت صورت گرفته نشان می‌دهد که:

* پارادایم پیشرفت تلاشی در تدوین آرمان‌های انقلاب ایران در قالب سندی راهبردی است.

* پارادایم پیشرفت در اجرا مستلزم ایجاد سه زیر "نظام علمی – فلسفی"، "حکمرانی" و "نظام فرهنگی" است.

* پارادایم پیشرفت براساس پنج اصل یعنی تعادل فضایی، راستی و درستی، زیست پذیری و تاب آوری سرزمنی، هویت مکانی و جمهور به دنبال دستیابی به فراورش مدنی است.

* محققان ایرانی در تالیف و تدوین شاخص‌ها و استاندارهای هر یک از این اصول باید همتی جدی مبذول دارند تا بهتوان میزان تحقق هریک از اهداف را در مقاطع زمانی ارزیابی نمود.

كلمات کلیدی: پارادایم، پیشرفت، تفسیر، تحلیل ژانتی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

نویسنده مسئول: mh.raamesht@gmail.com

مقدمه

در دیدگاه تفسیری فضا یک متن تلقی می‌شود و این رویکرد، به محقق این اجازه را می‌دهد که اولاً متن تفسیری را در مورد آن به کار گیرد و ثانیاً تغییر در فضا را تحت عنوان ویرایش متن عملی کند [۱]، به عبارتی ویرایش متن یک فضای برنامه‌ای برای ایجاد تصویر تغییرات اجتماعی و چشم انداز فضای آینده است و البته چنین دکترینی بدون داشتن اهدافی خاص آن هم در سپهری معنایی که اصطلاحاً بدان پارادایم گفته می‌شود امکان پذیر نمی‌نماید اگر چه وجود چنین سپهری مفهومی، الزاماً وابسته به مکتوب شدن آن نیست.

نزدیک به یک قرن اخیر، ایرانیان در مواجه با تحولات اجتماعی دیگر ملل و اجرای پارادایم "توسعه" در ایران و کشورهای جهان سوم تاملی محتاتانه داشته و رفته رفته جامع عقول آنها به درجه‌ای از بلوغ میل کرده تا در زمینه تدقیق علمی و جایگزینی برای این پارادایم، تلاشی رسمی را آغاز کنند. مروری بر تاریخ اجتماعی یکصدساله اخیر ایران، به خوبی حکایت از آن دارد که ایرانیان به طور مستمر تحولات اجتماعی ملل دیگر را رصد می‌کردند و با روی کار آمدن دوره پهلوی شاهد تحولات فضایی عمیقی در ایران شدند. این تحولات به ویژه در دوران پهلوی دوم شکل سازمان یافته‌ای پیدا کرد و برنامه‌های متعددی در زمینه سازمان‌های اداری، خرید ماهواره‌ها، تاسیس نیروگاه انرژی هسته‌ای، ساختن سدهای بزرگ، ایجاد ارتشی مدرن و ... تدارک دیده شده بود. اجرای این برنامه‌ها در چند دهه بازنگری ملی درباره آنچه رخ داده بود را به دنبال داشت. فهم عمومی جامعه

پیشرفت با پارادایم‌های دیگر فضایی است، به نحوی که بتوان از تجربه آن پارادایم‌ها در نحوه اجرا و باز شناسی زیر نظام‌های آن برای رفع موانع اجرایی پارادایم پیشرفت الهام گرفت.

متدولوژی

در دستیابی به اهداف این پژوهش یعنی کالبد شکافی مبانی پارادایم پیشرفت و الزام ایجاد سازماندهی اجرایی آن بهنوعی مقایسه با پارادایم‌های دیگر مدیریت در فضا مبادرت شده است برای نیل به این مقصود ابتدا پایه‌ها و بنیادهای پارادایم توسعه (روستو در آمریکا)، پارادایم آمایش سرمیم (فرانسوی‌ها و المان‌ها) و پارادایم آینده نگاری (اتحادیه اروپا) کالبد شکافی معرفتی شده است. لذا ابتدا بنا به تعریف پارادایم از نظرکو亨ن نسبت به شاخص سازی متغیرهای معنایی از هر پارادایم اقدام گردید. متغیرهای معنایی تعریف شده برای هر پارادایم عبارت بود از:

الف: خاستگاه هر پارادایم .Hometown

ب: دکترین هر پارادایم .Doctrine

ج: اهداف هر پارادایم .Goals

د: مقصد غایی هر پارادایم Final destination

ه: زیر نظام‌های اجرایی هر پارادایم Executive subsystems .

و: زمینه لازم برای اجرایی هر پارادایم Ideological contexts پس از بازشناسی هریک از شاخص‌های معنایی پارادایم‌ها نسبت به بازشناسی همین شاخص‌های معنایی در پارادایم پیشرفت براساس آخرین نسخه ویرایش سند پارادایم پیشرفت در مرکز الگوی اسلامی ایرانی مبادرت گردید. در مرحله بعدی با تدارک داده‌های مورد نیاز برای مقایسه این پارادایم‌ها با یکدیگر با به کارگیری روش نیچ نسبت به محاسبه فاصله فضایی آنها اقدام و میزان تفاوت هر یک در زمینه خاستگاه، دکترین و اهداف مشخص گردید. این مقایسه می‌تواند ما را نسبت به تدوین سازمندی‌های مدیریتی پارادایم پیشرفت در مقام اجرا یاری دهد. لازم به ذکر است که هر کدام از مولفه‌های فوق از متون منتشر شده از صاحب نظران هر پارادایم استخراج و با تممسک به روش تحلیل متن ژانت نسبت به تقلیل هر یک از مولفه‌های معنایی به متغیرهای اندازه پذیر مبادرت تا بتوان در فضای نیچ آنها را ارزیابی رقومی کرد.

براساس خرد عاطفی از آنچه رخ داده بود را در چند نکته اساسی می‌توان خلاصه کرد.

*آنچه رخداده، ایران را به سمت کشوری با مصرفی انبیه پیش می‌برد که لاجرم به وابستگی به بیگانگان منجر می‌شود.

*فاصله طبقانی به شدت درحال افزایش و جمعیت فقرا روزافزون شده است.

*ایل نشینی و روستا نشینی در خطر انقراض قرار گرفته است.

*آسیب پذیری محیطی به مضلی جدی تبدیل شده است.

*هويت فرهنگی و تاریخی ایران در معرض اضمحلال قرار گرفته و تغییر عمده در آن بهصورت یک تعرض بنیان شکن تجلی پیدا کرده است. (عبوراز هویت، تاریخ وامنیت).

این موارد و بعضًا موضوعات دیگری که از حوصله بحث ما خارج است، ایرانیان را به بازنگری پارادایمی رهنمون کرد که کشور را به سوی تمدن بزرگ پهلوی دوم پیش می‌برد. اولین گام بازنگری، معطوف به کالبد شکافی پارادایمی شد که این رخدادها بهواسطه اجرای آن صورت می‌گرفت.

زبان رفتاری انقلاب ایران در کلیتی معرفتی به نه گفتن به پارادایم "توسعه" خلاصه نمی‌شود بلکه شعارهای عمومی ایرانیان یعنی استقلال، ازادی و جمهوری اسلامی به بیان پارادایمی جدید معطوف بود و اصول و مبانی ان نیز به تصویب جمهور ایرانیان هم رسانده شد و اکنون بعد از ۴ دهه تازه محققان ایرانی تلاشی را برای تبدیل این پارادایم به سند و الگوی راهبردی آغاز نموده‌اند.

اگرچه در زمان پهلوی دوم افراد متعددی به تبار شناسی پارادایم توسعه مانند فیروز توفیق، موئقی، عبدالمجید مجیدی، ابوالحسن ابهاج و در زمانه ما افرادی چون دیوید هاروی، فرامرز رفیعی پور، گودرزی مبادرت کرده‌اند و به صراحت از اهداف دکترین و خاستگاه این پارادایم اشارات روشی دارند ولی افراد دیگری چون رنانی، سریع القلم، زیبا کلام و ... با پنهان داشتن ماهیت این پارادایم به شدت در تحکیم مبانی اجتماعی و اقتصادی آن اصرار می‌ورزند و عبور از هویت، تاریخ و امنیت اجتماعی کشور را برای دست یابی به نتایج غایی این پارادایم لازم می‌دانند. از طرف دیگر تقریباً غالب محققان اقتصادی، اجتماعی و جغرافیدانان ایران به نقل و تبیین اصول پارادایم "توسعه" به عنوان یک علم جهان شمول مبادرت می‌کنند بدون آن که به تبار شناسی و خواستگاه آن توجهی داشته باشند. هدف این مقاله بیشتر نوعی مقایسه پارادایم

رقابت سیاسی آمریکا و شوروی پژوهشگران مرکز مطالعات بین‌المللی (MIT) را بر آن داشت تا در پیوند با سیاست خارجی دولت آمریکا و با رویکردی اقتصادی، به قصد جلوگیری از تغییرات اساسی و ساختاری در کشورهای جهان سوم که به واژگونی رژیم‌های وابسته به آنان می‌انجامید، به ارائه پارادایمی مبادرت کنند که در ادبیات ما تحت عنوان توسعه، نوسازی، اصلاح، تقابل سنت و مدرنیته، عبور از هویت و تاریخ اجتماعی و ... شهرت دارد (شکل ۱). این پارادایم خاستگاهی سیاسی دارد و در قالب دکترینی اقتصادی طراحی شده است (موثق). در واقع آنچه تحت عنوان توسعه در مجتمع علمی از ان یاد می‌شود نه یک علم جهان شمول بلکه یک پارادایم سیاسی در لباس اقتصادی است و برخلاف آنچه معمول و متداول است نه از برای رشد و پیشرفت کشورهای هدف تدارک دیده شده، بلکه دارای اهداف خاصی برای نظام سرمایه و حاکمیت امریکا در جهان بوجود آمده است. پارادایم روسو تو نقشه راه دولت کنیدی برای انجام اصلاحات در بسیاری از کشورها از جمله ایران شد. به طور کلی می‌توان گفت خاستگاه پارادایم توسعه یک مشکل سیاسی برای کشور ایالات متحده بوده است. شکل (۱)

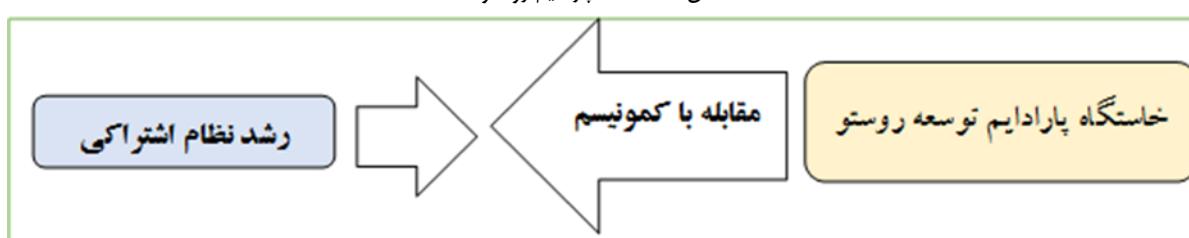
بحث و نتایج

از کالبد شکافی نوشته‌های والت ویتمن روسو پرآوازه‌ترین صاحب نظر در زمینه توسعه اقتصادی در کتاب مراحل رشد اقتصادی [۱۳] می‌توان مهمنترين بخش از آرای او را در واکاوی کلید واژه‌های او در پارادایم توسعه به دست آورد. در واقع الفاظی چون سنت و صنعتی شدن، نوسازی جامعه، رشد، بلوغ اقتصادی، مدرن شدن، مصرف انبوه و نظام بین‌الملل شاکله اصلی خاستگاه، اهداف و دکترین او را درباره پارادایم توسعه تعریف می‌کند.

روسو که در مرکز مطالعات بین‌المللی (MIT) مشغول کار بود با ارائه نظریه "خیز توسعه" محبوب کاخ سفید و در اندک زمانی به عنوان مشاور امنیتی رئیس جمهوری امریکا برگزیده شد. نظریه‌ی وی که معطوف به توجیه منافع امریکا در فرایند توسعه جهانی و طرح ریزی برنامه مقابله با رشد تفکر اشتراکی در کشورهای در حال توسعه بود توانست رقبای فکری خود را مانند طرح مارشال و طرح اصل چهار ترومن را متوقف و پارادایم توسعه را جایگزین آن نماید.

خاستگاه پارادایم "توسعه"

شکل ۱: خاستگاه پارادایم روسو



دهد، چیز دیگری به دنبال نخواهد داشت. وی در جواب آنکه چه باید کرد، تحلیل جامعی از مقاصد طیف طرفداران نظام اشتراکی در دنیا ارائه داد و با مستند سازی اینکه تنها طیف بزرگ تاثیر گذار بر این مقبولیت دهقانان و روسناشنیان کشورهایی چون چین، ویتنام، ایران، ترکیه، پاکستان، کشورهای شمال افریقا و کنگو و کشورهای امریکای لاتین هستند، معتقد بود اگر قرار است مقابله‌ای صورت گیرد باید این قشر و طیف را هدف قرار دهد. این جمله بدان معنی بود که باید کاری کرد تا روسناشنی در این کشورها یا از میان برود و یا انقدر ضعیف و کم جمعیت شوند

اهداف پارادایم "توسعه" روسو

آنچه سبب شد از میان نظریه‌های متعدد ارائه شده برای مقابله با رشد گسترش کمونیسم نظریه روسو برگزیده شود تفاوت در تحلیل و برداشت روسو و دوراندیشی وی از بهره مندی یک مشکل مقطعي برای ایجاد ساختاری بین‌المللی در مدیریت جهانی حاکمیت امریکا بود. وی معتقد بود طرح مارشال و ... که بیشتر بر مساعدت مالی با کشورهای جهان سوم استوار شده هرگز نمی‌تواند تب گرایش به کمونیسم را التیام بخشد و اینگونه اقدامات تسهیلاتی به جز آنکه هزینه حاکمیت امریکا را افزایش

تغییر ساختار تولید

از جمله ویژگی‌های مهم دیگر طرح روستو تغییر سازمان تولید در کشورهای هدف بود. وی برای تحقیق این هدف سازمان‌های مردم نهاد موجود در کشورهای هدف را با تغییر مالکیت در منابع اب و کشاورزی دچار اشتفتگی کرد. برای مثال با ملی کردن منابع اب و ایجاد سد بر روی رودخانه‌های بزرگ، مدیریت آب در کشورهای هدف که معمولاً توسط افراد محلی با ساختار خاصی اداره می‌شد در شکلی جدید به دولتها واگذار می‌کرد و این واگذاری در واقع خلع ید کشاورزان از مالکیت منابع ابی بود. اما به این مقدار هم اکتفا نشد و مالکیت اراضی نیز با مطற شدن تقطیع اراضی و به صرفه نبودن تولید و عدم امکان استفاده از کشاورزی مدرن، مالکیت اراضی از ملکیت افراد به مالکیت شرکت‌های سهامی زراعی تغییر داده شد. این تغییر ساختار بدین معنی بود که فلاج یا کشاورز به کارگر روزمزدی تبدیل می‌شد که دیگر قادر به برنامه‌ریزی برای کشت خود نبود بلکه کارگری بود که در برابر ساعت کار معین، مزدی دریافت می‌کرد و سهمی هم از تولید شرکت می‌توانست داشته باشد.

تدوین زنجیره ناقص تولید در کشورهای هدف

با ایجاد صنایع و فعالیت‌های متعدد در کشورهای هدف تصویری مدرن در معرض دید قرار داده می‌شود، ولی این فعالیتها به‌گونه‌ای تنظیم می‌گردید که بخشی از زنجیره تولید در کشور هدف نباشد و انها مجبور باشند برای تداوم فعالیت خود به کشور مادر وابسته باشند. برای مثال در ایران ۱۵۰ هزار واحد تولید گوشت مرغ ایجاد شده است که تنها پرورش، کشتار، بسته بندی و توزیع این محصول در کشور انجام می‌گیرد و دارو، واکسن، نهاده‌های خوارکی، جوجه یک روزه و این زنجیره باید از خارج از کشور وارد شود، لذا هرگاه بخشی از این زنجیره که در کنترل کشور مادر است تامین نشود این تولید یا متوقف می‌شود و یا با خسارات کمرشکنی مواجه خواهد شد.

که دیگر قدرت محرکه‌ای برای تغییرات اجتماعی تلقی نشوند. وی به این حقیقت به خوبی اشراف داشت که جمعیت غالب این کشورها دهقانان هستند و روستاها کانون تولید و استقلال این کشورها محسوب می‌شوند لذا چند فعالیت گسترشده را در چند جبهه برای فروپاشی نظام زیستی روستایی پیشنهاد کرد.

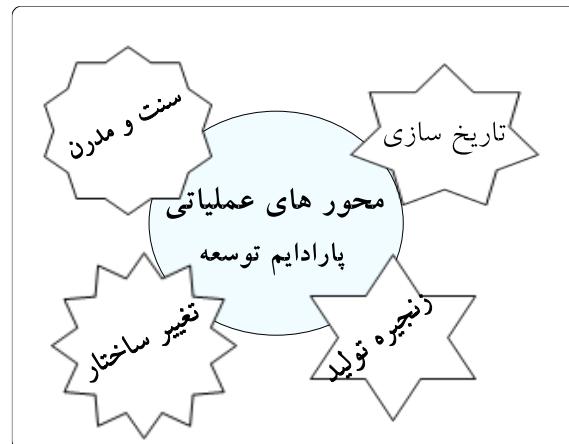
تاریخسازی تکوین جوامع بشری

در این جبهه که در قلمرو فرهنگی مطرح می‌شد به این موضوع پرداخته شد که جوامع دارای سیر تکاملی خاصی هستند که از مغاره نشینی، میوه چینی، ایل نشینی، روستا نشینی شروع و به شهر نشینی ختم می‌شود. گوردن چایلد [۱۴]. این گزاره که در تمامی مدارک علمی به طور گسترشده‌ای منتشر می‌شد این اشتیاق را در مردمان ایجاد می‌کرد که برای ارتقا اجتماعی باید سازمان زندگی و هویت زیستی خود را تغییر دهند و کمال مطلوب، ترک ایل و روستا و سکونت در شهر به عنوان یک امتیاز مدنی است و البته این گزاره با اقبال زیادی هم در جوامع روستایی روبرو گشت.

طرح سنتی زیستن و مدرن زیستن

روستو با دوقطبی جلوه دادن زیست مدرن و سنتی، جوامع را دچار یک انتخاب تصنیعی نمود و آن اینکه ای نظرور تبلیغ می‌شود که نمی‌توان هم هویت زیستی خود را داشت و هم از مزایای زندگی مدرن بهره برد. لذا همه بحث‌هایی که در جهان سوم بین روشنفکران انها در این چند دهه در این زمینه ارائه شده همگی این دو قطبی شدن را دامن می‌زنند و ورود به جامعه مدنی مدرن را مستلزم پشت پا زدن به هویت تاریخی و اجتماعی محلی نشان داده‌اند [۱۱].

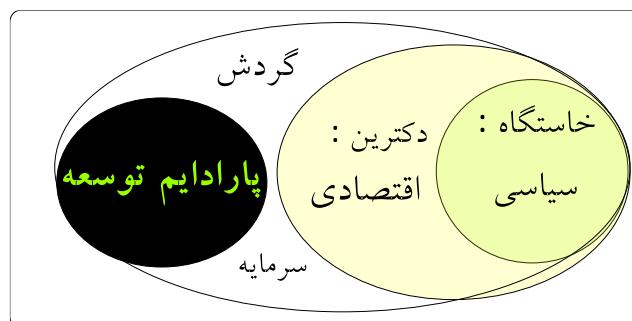
شکل ۲: محورهای عملیاتی تحقق پارادایم توسعه در کشورهای جهان سوم



طراحی و به اجرا گذارده شده. این موضوع می‌توانست چند مزیت بدهنال داشته باشد اول آنکه سیاسی بودن مسائل معمولاً حساسیت رقبا را بدهنال دارد و ثانیاً جذابیت اقدامات اقتصادی غالباً برای مردم عادی بیشتر و فهم عقبه سیاسی ان برای انها کمتر روشن است.

دکترین پارادایم روستو
اگرچه خاستگاه اصلی پارادایم توسعه یک موضوع سیاسی بود ولی اجرای این تصمیم سیاسی در قالب و شیوه‌ای اقتصادی به اجرا گذارده می‌شد، لذا اصول و شاخص‌های تعریف شده برای چنین پارادایمی همگی در چهارچوب مبانی اقتصادی تدارک دیده می‌شود. به عبارت دیگر یک مسئله سیاسی با دکترین اقتصادی

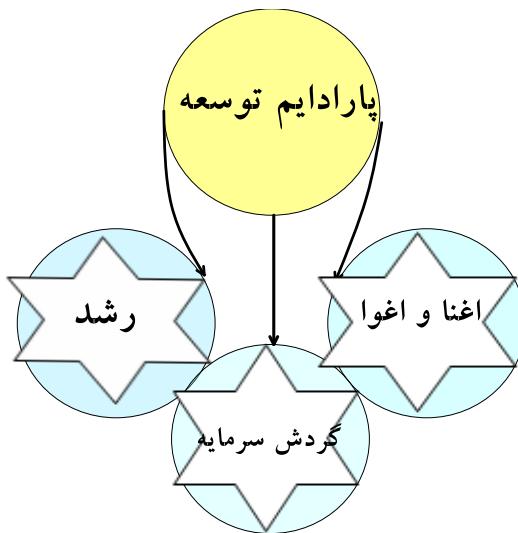
شکل ۳: خاستگاه و دکترین پارادایم توسعه در مدار نظام گردش سرمایه



رکن دیگر این پارادایم اغنا و اغوا است. بسته‌هایی که تحت عنوان توسعه برای کشورهای جهان سوم تدارک می‌شود غالباً با اسمی فریبند و وجهت علمی مانند دوره نوسازی، اصلاحات اجتماعی، مدنرن سازی اجتماعی و اقتصادی عبور از سنت، علم‌گرایی، نوگرایی و مدرنیسم و ... ارائه شده و همه این تلاش‌ها برای آن است که به هر حیلت و ترفندی مخاطبان خود را مجاب به پذیرش و اجرای این پارادایم نمایند و بالاخره پایه سوم این پارادایم پذیرش نظام گردش سرمایه است به طوری که گفته می‌شود این پارادایم تنها در چنین نظمی امکان رشد و تجلی خواهد داشت و بسیاری از صاحب نظران و طرفداران این پارادایم معتقدند بدون پذیرش نظام گردش سرمایه و نظام جهانی تجارت، امکان توسعه یافتنی وجود نخواهد داشت [۱۰، ۱۱، ۱۲].

پایه‌های اصلی پارادایم توسعه
در این پارادایم "توسعه" متراff با رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و بر سه پایه "اغنا و اغوا"، "رشد" و "گردش سرمایه" قرار دارد شکل (۴). رشد، موتور محركه این پارادایم است و به همین خاطر، آمار توسعه یک کشور با شاخص رشد اقتصادی و معیارهایی مانند بالا رفتن درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی و ... بیان می‌شود. غالب محققان نیز در ارزیابی و سنجش توسعه یافتنی، چنین شاخص‌هایی را ملاک مقایسه توسعه مناطق درنظر می‌گیرند و تقریباً می‌توان گفت همه تحقیقاتی که در ایران توسط محققان اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی صورت می‌گیرد از چنین چهارچوبی تبعیت می‌کند.

شکل ۴: ارکان پارادایم توسعه روستو



لذا برای تحقق هر یک از این نظامها اقدامات خاصی را به صورت برنامه‌ریزی شده به اجرا گذارند. در مورد ایجاد حکمرانی با شعار حکومت نخبگان در کشورهای حائل مانند ترکیه، پاکستان، کامبوج، و بنگال، شیلی و غالب کشورهای شمال افریقا، بسته کودتا را اجرایی کردند و با روی کار اوردن افراد متمایل به غرب به نوسازی سیاسی این کشورها دامن زدند شکل (۵).

زیرنظام‌های اصلی پارادایم توسعه

روستو برای تحقق آرمان‌های پارادایم توسعه لزوم ایجاد سه نظام مهم اجرایی را الزامی می‌داند. این سه نظام عبارت است از:

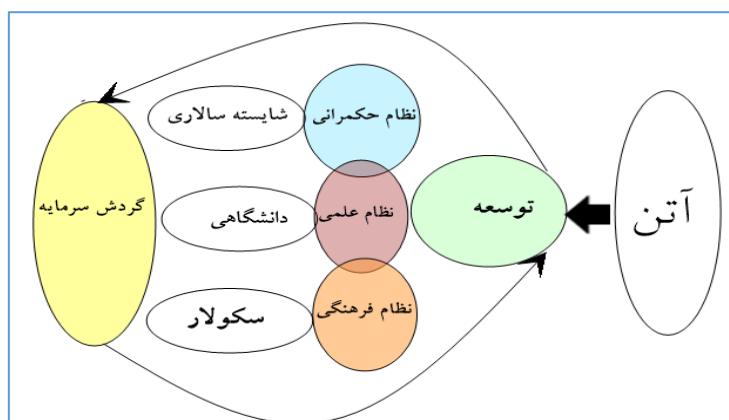
*نظام حکمرانی.

*نظام علمی و فلسفی.

*نظام فرهنگی.

نظام حکمرانی: بدیهی است که اجرای چنین نظام‌هایی در کشورهای حائل، مستلزم مقدمات و پیش زمینه‌های متعددی بود.

شکل ۵: نظام‌های سه گانه در پارادایم توسعه



آنکه پارادایم توسعه را به عنوان یک علم جهان شمول تلقی کرده و آموزش‌ها به گونه‌ای است که به مخاطبان این تصور القا می‌شود که توسعه تنها روش علمی و مدرن است و استانداردها و شاخص‌های معتبر روز و پیشرفته‌ترین تحقیقات اکادمیک از آن پشتیبانی فلسفی و علمی می‌کنند.

نظام علمی و فلسفی: در تبیین راه یابی جوامع به دنیای مدرن آموزش نخبگان جوامع هدف از جمله سیاست‌های برنامه‌ریزی شده‌ای است که با تاسیس دانشگاه‌های متعدد در آن کشورها و یا بورس نمودن جوانان علاقمند آن کشورها پشتیبانی می‌شود. دانشگاه‌ها در این مقوله چند هدف اساسی را دنبال می‌کنند اول

بدیهی است که این سه نظام در دستگاهی اقتصادی که به نظام گردش سرمایه شهرت دارد، هماهنگ و پشتیبانی مفهومی و عملی می‌شود.

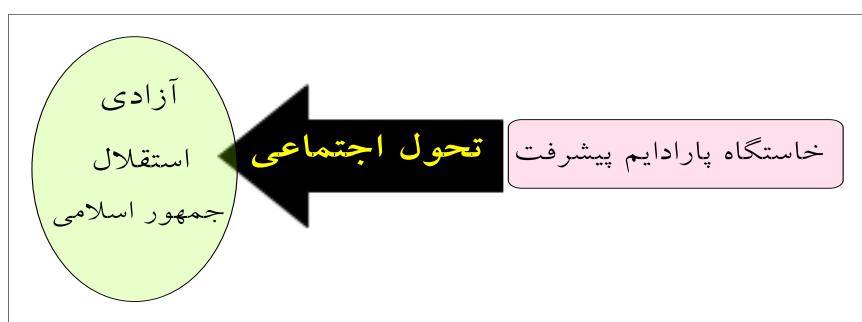
اکنون می‌توان در قالبی که پارادایم توسعه کالبد شکافی شد پارادایم پیشرفت را کالبد شکافی کرد تا تفاوت‌ها و تجارب اجرایی بهدست آید.

خاستگاه پارادایم پیشرفت

مسئله مهمی که ایرانیان در این سده به صورت مستمر با آن مواجه بوده‌اند دانستن علت عقب افتادگی اجتماعی و عواقب آن بوده است و سعی کرده‌اند تا در هر دوره گام‌هایی برای رفع این معصل بردارند. اگرچه این گام‌ها با مقایسه جامعه خود با تحولات اجتماعی دیگر کشورها مانند ژاپن و اروپا بوده است مع الوصف ماهیت آنچه در انقلاب مشروطه، نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی رخ داد همگی در بستر جامعه ایران به‌وقوع پیوست و لذا می‌توان خاستگاه پارادایم پیشرفت را مسئله‌ای اجتماعی از درون یک ملت تفسیر کرد.

- نظام فرهنگی: تحقق پارادایم توسعه بدون اغراق همراه با پاکسازی فرهنگ‌های محلی و غلبه فرهنگ امریکا در اکثر زمینه‌ها از سیک زندگی، نوع غذا (مک دونالد) و نوشابه (کوکاکولا) گرفته تا البسه و عادات رفتاری و حتی نوع سرگرمی‌ها و بازی‌ها را شامل می‌شود. به طوری که یکسان‌سازی محیطی حتی در معماری و سلوک زندگی مردم کشورهای حائل را نیز دربرمی‌گیرد. از نظر فلسفی نظام فرهنگی که روستو دغدغه آن را در کتاب خود برای دولت‌های حاکم بر کشورهایی چون جاکارتا، رانگون، دهلی نو، تهران، بغداد، کراچی، قاهره، سئول، استانبول و ... داشت، سیستمی است که در اصطلاح به ان سکولاریته گفته می‌شود و هرگاه در کشوری شاهد تاسیس بیش از یک بانک در یک خیابان، وجود تابلوهای تبلیغ مک دونالد و کوکاکولا، عشرت کدها و قمارخانه‌ها و کازینوهای متعدد شبانه و ساحلی، کودکان کار در سرچهاراهها، اخرين مدل ماشین‌های روز در کنار گاری‌های که آدم‌ها نقال آن هستند و شهرهایی با برج‌ها و آسمان‌خراش‌های خیره کننده در کنار گتوهای فقرنا شاهد بودید بدانید که توسعه روستو به‌خوبی در آن مکان اجرا شده است. البته

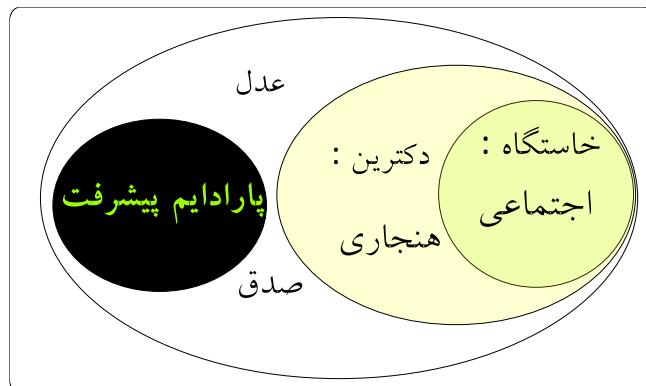
شکل ۶: خاستگاه پارادایم پیشرفت



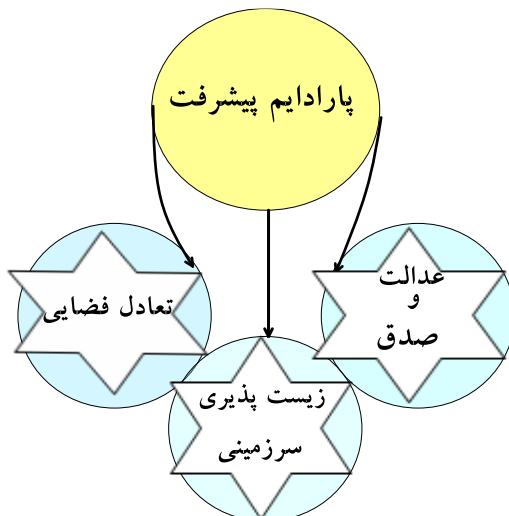
در این زمینه و به وجود آوردن سیستمی هوشمند برای اجرا و کنترل دقیق قوانین متنضمین این هنجارها است، به طوریکه افراد در گروههای تصمیم‌گیری نتوانند اعمال نفوذ شخصی کنند شکل (۷).

دکترین پارادایم پیشرفت
روشی که این پارادایم برای تحقق اهداف و آرمان‌های خود انتخاب کرد یک روش هنجاری براساس راستی و عدالت است. لذا اجرای مفاهیم عدالت، راستی و صدق مستلزم دانش تولید شده

شکل ۷: خاستگاه و دکترین پارادایم پیشرفت در نظام عدل و صدق



شکل ۸: ارکان پارادایم پیشرفت



شاخص‌ها و معیارهای کمی دارد که این سنجش براساس آنها صورت می‌گیرد.

زیست پذیری سرزمینی از پایه‌ها و ارکان دیگر این پارادایم است و خلاصه مفهوم آن این است که ساکنین این سرزمین احساس خرسندي از زندگی در آن را کرده و این خرسندي نتیجه نگاهداری حرمت محیط زیست و روابط بین آحاد و صنوف و اقوام یک ملت است.

پایه‌های اصلی پارادایم پیشرفت

در این پارادایم "پیشرفت" متراff با بلوغ مدنی جامعه در نظر گرفته می‌شود و بر سه پایه "عدل و صدق"، "تعادل فضایی" و "زیست پذیری سرزمینی" قرار دارد. شکل (۸). عدالت و صدق در این پارادایم محور بالندگی و اعتماد جامعه به یکدیگر تعريف می‌شود و تعادل فضایی حکایت از آن دارد که جامعه که ترکیبی از رنگین کمان تفاوت‌های قومی و فرهنگی هستند به یک چشم دیده می‌شوند به گونه‌ای که نمی‌توان در فضای زیستی آنها تفاوت چندانی ناشی از آپارتاید اجتماعی مشاهده نمود. این محور

یکی از تفاوت‌های عمدۀ نظام حکمرانی در این دو پارادایم در این موضوع خلاصه می‌شود، اگر چه در نظام توسعه شعار حاکمیت نخبگان سرلوحه کارشان قرار دارد ولی همه حکومت‌های این نظام با کودتا بر سرکار آمده‌اند حال آنکه در پارادایم پیشرفت مردم سالاری دینی یک جمهور به تمام معنا است و قوای مجریه و مقننه آن با آرا مستقیم مردم انتخاب و به کار گمارده می‌شوند شکل (۹).

زیرنظام‌های اصلی پارادایم پیشرفت

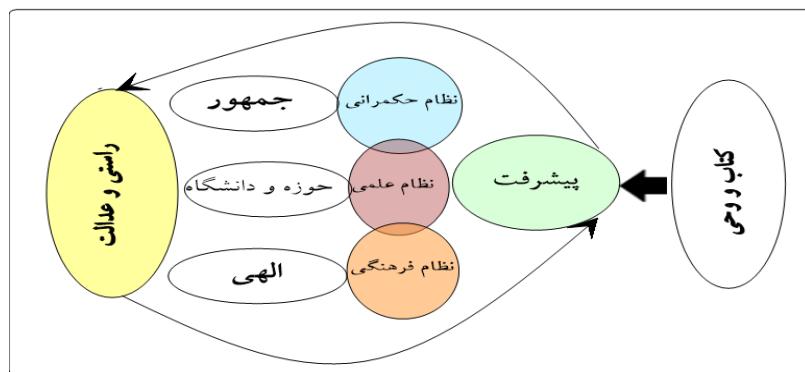
در تحقیق پارادایم پیشرفت همانند آنچه در پارادایم توسعه دیده شد، ایجاد سه نظام مهم اجرایی الزامی است. این سه نظام عبارت است از:

*نظام حکمرانی.

*نظام علمی و فلسفی.

*نظام فرهنگی.

شکل ۹: نظام‌های سه گانه در پارادایم پیشرفت



انچه در الزامات کلی و تدبیر باید صورت گیرد را در موارد زیر خلاصه نمود.

۱- به عاریه گرفتن سازمان اجرایی پارادایم "توسعه" از تجرب ارزشمندی است که استفاده از آن می‌تواند بازه زمانی پنجاه ساله الگو را به یک یا دو دهه تقلیل دهد.

۲- بدون تردید اجرایی پارادایم پیشرفت بدون داشتن سه نظام "حکمرانی"، "علمی" و "فرهنگی" اجرا شدنی نخواهد بود و این مهمترین دستاورده برسی توسعه و تجارت چند دهه بین المللی در پارادایم توسعه است.

۳- در قلمرو نظام حکمرانی تغییرات بنیادی در تقسیمات کشوری و مدیریت شناور بسیاری از مقولات لازم است. بهترین تجرب در اداره امور حکمرانی را می‌توان از ساختار حکمرانی در زمان صفویه و هخامنشی الهام گرفت با این تفاوت که نوعی حکمرانی هوشمند را به توان بر آن ساختارها حاکم نمود.

۴- در قلمرو نظام فلسفی و علمی اگر چه ترکیب حوزه و دانشگاه ترکیب مناسبی است ولی تغییر در محتوا هم در حوزه و هم در دانشگاه ضرورتی اجتناب ناپذیر است بهنحوی که دانشمندان و محققان ایرانی در هر دو قلمرو باید به تدوین و تعریف

نظام علمی در پارادایم پیشرفت ترکیبی از تربیت شدن حوزه و دانشگاه هستند که البته یکی از انها نشانه‌های عقلی کتاب طبیعت و دیگری نشانه‌های نقلی کتاب وحی را واکاوی می‌کنند و هر یک سعی دارند با تولید محتوا در ابعاد عینی و روحی، جامعه را در سبک زندگی، روابط اجتماعی و اقتصادی و الگوهای مصرف یاری دهند.

نظام فرهنگی در این پارادایم الهام گرفته از اصول پیامبران و مبشران وحی است و تربیت عمومی را براساس اصول کتاب وحی و سلوك ناشران آن در تلاش برای انسجامی هنجاری در روابط اجتماعی است.

نتیجه گیری

کالبد شکافی پارادایم "توسعه" و "پیشرفت" آن هم با روشنی یکسان، تفاوت‌های بنیادی این دو پارادایم و تغییرات فضایی ناشی از اجرای انها را می‌تواند به خوبی نشان دهد. ولی نکته قابل تأمل در اجرای پارادایم پیشرفت بهره مندی از تجرب اجرایی و نحوه ساختارهای سازمانی پارادایم توسعه است که می‌توان از آن در اجرای پارادایم پیشرفت استفاده نمود. به عبارت دیگر می‌توان

5. Bostock, Francis, Jeffrey Jones. Planning and Power in Iran: Abolhasan Ebtehaj and Economic Development Under the Rule of the Shah. Translated by Mehdi Pazuki and Ali Habibi, Tehran: Kavir, 2018. [In Persian]
6. Harvey, David. Social Justice and the City. Translated by Farrokh Hasamian; Mohammad Reza Haeri; Behrouz Manadizadeh. Tehran: Urban Planning and Processing Company, 2000. [In Persian]
7. Harvey, David. The Mystery of Capital. Translated by Majid Amini. Tehran: Nashraklogh, 2012. [In Persian]
8. Rafie Pour, Faramarz. Development and Conflict. Tehran: Publishing Company, 2000. [In Persian]
9. Mishio, Morishma. Economy and Culture: Aspects of Japan's Modernization. translated by Mohsen Gudarzi, Tehran: Farhange Tosee, No. 3., 1992. [In Persian]
10. Renani, Mohsen. Continuous Instability: The Main Obstacle to Development. Iran Shahrivar Mah, No. 63., 2010. [In Persian]
11. Saree al-Qalam, Mahmoud. Rationality and the Future of Iran's Development. Tehran: Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies, 2013. [In Persian]
12. Ziba Kalam, Sadegh. A Collection of Political and Historical Articles. 2015. [In Persian]
13. Rostow, Walt Whitman. Translated by Taqvi Mehdi, Bagheri Sholah, Tehran:

شاخص‌هایی مبادرت کنند که به توان ارکان پارادایم و میزان دست یافتن به آن را به صورت مستمر و هوشمند رصد نمود.
۵- در قلمرو فرهنگ ترفندها و تکنیک‌های مبشران وحی دارای غنای عظیمی است و تنها بروز رسانی انها و شکل ارائه انها را باید با ذائقه جوامع امروزی سازگار و بروز رسانی کرد. در این امر محورهای اصلی هنجارهای پارادایم پیشرفت باید در دستور کار متولیان فرهنگی قرار گیرد و در تمام فرایندهایی که می‌تواند این هنجارها را به رفتار اجتماعی در مقیاس‌های گوناگون تبدیل کند، کمک گرفت.

تشکر و قدردانی: از حمایت‌های معنوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی تشکر می‌شود.
تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.
سهم نویسندهان و منابع مالی/حمایت‌ها: سهم نویسندهان براساس قواعد دانشگاه اصفهان تعیین می‌شود.

References:

1. Brierley, G. F. (2021). *the dark art of interpretation in geomorphology*. Geomorphology. doi: [10.1016/j.geomorph.2021.107870](https://doi.org/10.1016/j.geomorph.2021.107870).
2. Tofiqh, Firouz. Planning in Iran and Its Future Prospects. Tehran: Higher Education and Research Institute of Management and Planning, 2013. [In Persian]
3. Movaseghi, Ahmad. Modernization and Reforms in Contemporary Iran. Journal of Law and Political Science, No. ۶۹, Autumn, 2005. [In Persian]
4. Majidi, Abdulmajid, Gudarzi Manouchehr, Farmanfarmayan Khodadad. (1381). Development in Iran ۱۳۵۷–۱۳۲۰. Tehran: Game No, 2002. [In Persian]

- ,(t. b. Faramarzi, Trans.) Tehran: Lahita
Publications ,[in Persian].
- Islamic Azad University Publisher,
Research Sciences Unit, 2008. [In Persian]
14. Child, W. G. (2012). *History book*
(examination of theories about history)